

تصحیح بیتی از شاهنامه

در شاهنامه جایی که سخن از پادشاهی خسرو انوشیروان به میان است و در فصلی که به نام «پند دادن بزرجمهر (بزرگمهر) نوشیروان را» خوانده شده است، به بیتی برمیخوریم که نه تنها جابجا شده است، بلکه واژه‌های آن نیز تحریف و دگرگون شده و معنی را سست و نارسا کرده است.

این بیت، بیت دوم از این چهار بیت یادوجفت پرسش و پاسخ است :

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| ۱- بدو گفت «تاجاودان دوست کیست؟ | ز درد جدائی که خواهد گریست ؟» |
| ۲- چنین داد پاسخ که: «انباز مرد | نکاهد نسوزد نترسد ز درد .» |
| ۳- «چه ماند» بدو گفت: جاویدچیز | که آن چیز کمی نگیرد به نیز ؟» |
| ۴- «چنین داد پاسخ که، «کردارنیک | نخواهد جدا بودن از بار نیک .» |

این چهار بیت به همین روش در چاپ ژول مول (Jules Mohl) که به تازگی سازمان کتابهای جیبی آن را چاپ عکسی کرده و دسترسی به آن را برای همگان آسان ساخته است (۱) آمده و به همین گونه است. در شاهنامه چاپ تهران بروخیم که تقریباً از روی شاهنامه مول چاپ شده است، با این تفاوت که مصحح آن بیت‌هایی را که از فردوسی ندانسته، در حاشیه گذاشته و استفاده از واژه نامه ولف Wolf را مشکل ساخته است. (۲)

من پیش از این گمان تحریفی در این بیت‌ها کرده بودم ولی به تصحیح آنها توفیق نیافته بودم. (۳)

در شاهنامه بسایسنقری، که شورای جشن شاهنشاهی ایران، چاپ عکسی و رنگی و بسیار نفیس از آن را به سال ۱۳۵۰، و به یاد «جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران» منتشر کرده است، جای پاسخ‌ها در این دو جفت پرسش و پاسخ عوض می‌شود، یعنی پاسخ پرسش دویم برای پرسش نخست، و پاسخ پرسش نخست برای پرسش دویم می‌آید. (۴) بدین سان:

بدوگفت: «تا جاودان دوست کیست؟ ز درد جدائی که خواهد گریست؟»
چنین داد پاسخ که: «کردار نیک نخواهد جدا بودن از یار نیک.»
«چه ماند»، بدوگفت: «جاوید چیز که آن خیر (چیز) کمی نگیرد بنیز»
چنین داد پاسخ که: «انباز مرد بکاهد بسوزد نترسد ز درد.»

در این نسخه در مصرع دویم بیت سیم به جای «چیز» واژه «خیر» آمده است

(۱) ج ۱ صفحه ۱۹۱ بیت‌های ۲۶۵۵ تا ۲۶۵۹ چاپ جیبی

(۲) ج ۸ صفحه ۲۴۵۹ بیت‌های ۲۶۲۰ تا ۲۶۲۳

(۳) نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال یازدهم شماره پانزدهم صفحه ۳۳۱ زیر نویس شماره ۲۰

(۴) صفحه ۵۷۰ صفحه ۱۴۹۱۳

که باقیاس با دیگر نسخه‌ها باید «چیز» باشد. واژه نخست از مصرع دوم بیت آخر «بکاهد» است و واژه دوم آن هیچ نقطه ندارد ولی باقیاس با واژه پیشین یعنی «بکاهد» باید آن را «بسوزد» خواند و به ناچار گمان کرد که کسی که این بیت را بدین صورت در آورده است، چنین معنایی از آن اراده کرده است :

«انباز مرد میکاهد و میسوزد ولی از درد نمی‌ترسد.»

در شاهنامه چاپ مسکوهم که به تصحیح رستم علی یف، اداره انتشارات

دانش، شعبه ادبیات خاور، به سال ۱۹۷۰ منتشر ساخته است و مصحح آن بیشتر نسخه‌های کهن و مشهور و خطی شاهنامه را در دسترس داشته است، ترتیب این بیت‌ها مانند شاهنامه بایسنقری است (۱) مگر اینکه اختلاف میان نسخه‌ها را در حاشیه یاد کرده است. برای بیتی که تصحیح آن موضوع این است یعنی «چنین داد پاسخ که انباز مرد....»

یکی از نسخه‌های یاد شده در حاشیه شاهنامه چاپ مسکو یعنی نسخه (K) به جای

«انباز مرد» «آباد مرد» آورده است. و برای مصرع دوم این بیت که این چاپ صورت: «نه کاهد نه سوزد و نترسد ز درد» را برگزیده است در نسخه (I)، یعنی یکی دیگر از نسخه‌های یاد شده در حاشیه، «نکاهد ز سود و نترسد ز درد» و در نسخه دیگر (IV) «بکاهد ز سود و بترسد ز درد» آمده است.

بی‌هیچ شکی ترتیب درست بیت‌ها باید ترتیبی باشد که در شاهنامه بایسنقری

و شاهنامه چاپ مسکو و همه نسخه بدل‌های آن آمده است و ظاهراً سبب جابجا شدن پاسخ‌ها این بوده است که رونویسی‌کننده‌ای، هم «انباز مرد» را (بیت چهارم بایسنقری) پاسخ بهتری برای «کیست» (بیت نخست همان چاپ) و هم «کردار نیک» را (بیت دوم)

پاسخ بهتری برای «چه... چیز» دانسته است و توجه به معنی و سنت‌های کهن و موجود نداشته است که انباز یا شریک مرد نمیتواند دوست جاودانی و این جهانی و آن جهانی او باشد بلکه کردار نیک است که میتواند چنین باشد.

اما پاسخ دوم یعنی:

«... انباز مرد نگاهد نسوزد نترسد ز درد» به هیچ روی نمیتواند جواب: «چه ماند» بدو گفت: «جاوید چیز...» باشد و بکلی تحریف شده، و نادرست است.

من برای تصحیح این بیت از منبع دیگری استفاده کرده‌ام. میدانیم که فردوسی برای سرودن شاهنامه از «خداینامه»‌های پهلوی استفاده کرده است و هم میدانیم که بعضی از آثار بازمانده پهلوی، چه جزء آن خداینامه‌ها بوده و چه نبوده باشد، از منابع شاهنامه فردوسی بوده است. بویژه فصلی که این بیت‌ها در آن بکار میرود یعنی «بند دادن بوزر جمهرنوشیروان را» درست برابر بامتن پهلوی «ایادگار بزرگمهر» است و به سخن دیگر ترتیب پیش و پس قرار گرفتن این اندرزا در این متن پهلوی و شاهنامه یکسان است و از همین رو میتوان گفت که وی این متن پهلوی را درست داشته و اندرزا را یکی پس از دیگری به ترتیب تقدم و تاخر به نظم آورده است. البته گاهگاه جابجا یکی دو بند (۱) از متن پهلوی یادگار در شاهنامه نیامده است ولی نظم کلی بهم نخورده است.

من یادگار بزرگمهر و این فصل از شاهنامه را مقایسه کرده‌ام و این مقایسه را بامتن پهلوی و ترجمه آن به فارسی در نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال یازدهم شماره پانزده صفحه‌های ۳۰۲ تا ۳۳۳ بچاپ رسانده‌ام. با مراجعه به این مقایسه وزیر نویس‌های

(۱) متن پهلوی یادگار بزرگمهر، آسان بودن تطبیق متن با آوا نوشت یا ترجمه

را به ۲۶۴ بند تقسیم شده است.

آن به یکسان بودن این اندرزا در تقدم و تأخر، و تا اندازه‌ای سبب حذف بعضی از آنها در شاهنامه فردوسی می‌توان پی برد.

برابر این چهار بیت در متن پهلوی یادگار بزرگمهر بندهای ۱۹۵ تا ۲۰۰ است

(با حذف بند ۱۹۷ و ۱۹۸) که ترجمه آنها چنین است :

۱۹۵- دوست فرشکردی (آن جهانی، اخروی) کدام؟ ۱۹۶- کنش نیک.

۱۹۷- دشمن فرشکردی کدام؟ ۱۹۸- کنش بد.

۱۹۹- چیست آن چیز که باید و تباہ نشود؟ ۲۰۰ انبار کرفه

چنانکه می‌بینیم برابر «دوست فرشکردی کدام؟» «بند ۱۹۵» در شاهنامه «بدو گفت تا جاودان دوست کیست؟» می‌باشد، و واژه «جاودان» ترجمه «فرشکردی» است که به معنی آنجهانی، اخروی و ابدی است و مقصود ازین پرسش، ادامه دوستی حتی در جهان دیگر و زندگانی روحانی پس از مرگ است و «انبار مرد» نمیتواند تا آن جاها با مرد دوست و همراه باشد. پاسخ آن یعنی «کنش نیک» (بند ۱۹۶) نیز نشان میدهد که پاسخ درست آن در شاهنامه بایستی بیت «چنین داد پاسخ: که کردار نیک- نخواهد جدا بودن از یار نیک» باشد، یعنی همانطور که در شاهنامه بایست قری و چاپ مسکو آمده است، نه مانند چاپ بروخیم و ژول مول.

و اما مصرع دوم بیت نخست: «ز درد جدائی که خواهد گریست؟» مفهوم مخالف

مصرع نخست آن و تقریباً ترجمه بند ۱۹۷ و ۱۹۸ است، یعنی : از درد جدائی دوست

جاودانی که کردار نیک باشد که خواهد گریست؟ و به ناچار کسی خواهد گریست که کردار

بد یعنی دشمن جاودانی با او همراه باشد. پرسش دیگر:

«چه ماند بدو گفت جاوید چیز که آن چیز کمی نگیرد به نیز»

برابر بند ۱۹۹ «یادگار» است: «چیز آن چیز که باید و تباہ نشود» و پاسخ آن

در شاهنامه: «چنین داد پاسخ که انباز مرد.....» است و در «یادگار» (بند ۲۰۰) «انباز کرفته». کرفته چنانکه میدانیم به معنی ثواب است و نتیجه آن مزد و پاداشی است که در جهان دیگر، نیکوکاری را مقرر است. بنابراین چه گذشت خوب می بینیم که «انباز مرد» تحریفی است از «انباز مزد» و بنابراین قافیۀ مصرع دوم هم «دزد» خواهد بود و معنی بیت هم روشن میشود. و صورت درست این بیت چنین خواهد بود:

«چنین داد پاسخ که انبار مزد نه کاهد، نه سوزد، نه ترسد ز دزد»

